

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال نهم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵

صفحات: ۱۸۰-۱۶۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱/۱۹

واکاوی تأثیر و نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در چگونگی وقوع انقلاب‌های تونس و مصر

دکتر مجاهد امیری* / قاسم رضایی**

چکیده

بررسی نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی کنشگری سیاسی (موردکاوی انقلاب‌های تونس و مصر) هدف اصلی این تحقیق است. اینکه رسانه‌های مدرن در عصر اطلاعات و ارتباطات چگونه توانسته‌اند باعث تغییر سیاسی و تسهیل روند بیان اعتراضات مردمی در دو کشور مصر و تونس شوند سوال اصلی است که این تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به آن می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر که با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر درآمده است نشان می‌دهد آنچه در تحولات انقلابی دو کشور مصر و تونس انکارناپذیر می‌باشد تاثیر رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت و بخصوص شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیس‌بوک در اطلاع‌رسانی سریع و برنامه‌ریزی‌ها جهت تجمعات اعتراضی و راهپیمایی‌ها و گسترش سریع این تحولات بود.

کلید واژه‌ها

انقلاب، اینترنت، شبکه‌های مجازی، مصر، تونس.

mojahedamiri10@yahoo.com

* عضو هیات علمی، واحد اقلید، دانشگاه آزاد اسلامی، اقلید، ایران

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

از زمان وقوع جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ۲۰۱۰ و پس از آن، که در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شکل گرفت، یکی از بدیع‌ترین نکاتی که به وسیله‌ی رسانه‌های غربی برجسته شد نقش اینترنت و فضای سایبری در هدایت ناراضایتی‌ها و بسیج تظاهرکنندگان بود. این اولین بار بود که قرار اعتصابات یا ناراضایتی‌های خیابانی، در فضاهای مجازی موبایل و اینترنت، فرد به فرد و گروه به گروه منتقل می‌شد. سرعت و قدرت شگفت‌انگیز این تکنولوژی عجیب قرن بیست و یکمی سیاست‌مداران و روزنامه‌نگاران را به‌تازده کرد. ساخت اقتدارگرایانه‌ی قدرت در این کشورها که فضا را برای بروز و ظهور هویت‌های آشکار بسته بود، اقبال روز افزون کاربران به این شبکه‌های مجازی را قابل درک می‌کرد (عباس‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۸-۶۹).

این پژوهش در صدد آن است که نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی اینترنتی و موبایل را در ایجاد جنبش‌های اجتماعی-سیاسی در کشورهای اقتدارگرا و غیردموکراتیک بررسی کند. در همین رابطه به مطالعه موردی دو کشور تونس و مصر پرداخته و نقش اینترنت و فضای سایبری در تحولات این دو کشور را مورد کنکاش قرار می‌دهد. دو کشوری که بیش از سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در معرض امواج جهانی شدن و به تبع آن استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی قرار گرفته‌اند. همچنین دو کشوری که امواج بیداری اسلامی ابتدا از آن‌جا شروع شد و سپس به سایر کشورها تسری پیدا کرد.

۱. شیوه‌های نفوذ مقاومت اینترنتی در تونس

زمانی که محمد بوعزیزی جوان ۲۶ ساله تحصیل کرده تونسی خود را وسط خیابان برای اعتراض به وضع نابهنجار اقتصادی و فشار ماموران آتش زد، طلیعه‌ی انقلاب تونس نیز روشن شد. از همان روزها بود که گروهی از جوانان تونسی با به راه انداختن صفحه فیسبوکی و تبدیل آن به منبع اصلی اخبار، اعتراضات و... به سرنگونی بن علی کمک کردند. بعد از سقوط بن علی و یک ماه بعد خودسوزی دردناک بوعزیزی، ادمین اصلی این صفحه فیسبوک گفت که در روز هجده ساعت از وقت خود را برای اداره‌ی این صفحه از جمله انتشار فیلم‌ها و عکس‌های مربوط به درگیری‌های خیابانی و سایر فعالیت‌ها اختصاص می‌داده است. حال باید پرسید که مردم تونس چرا از رسانه‌های رسمی و حکومتی فاصله گرفتن؟ چرا این قدر به رسانه اینترنتی و شبکه‌های مجازی اعتماد کردند؟ پاسخ کاملا واضح است: آنقدر در طی سال‌ها از حکومت و از

رسانه‌های حکومتی دروغ شنیده بودند که دیگر نمی توانستند به آن اعتماد کند و به دنبال جایگزینی برای دریافت تحلیل‌ها، اخبار و اطلاعات روز بودند. اینترنت، فیسبوک و خلاصه فضای مجازی خیلی زود این امکان را برای آن‌ها فراهم کرد. مردم تونس هم به اصطلاح به دعوت رسانه‌ها برای اعتراض لبیک گفتند! بنا به آمار در تونس از هر ده نفر، سه نفرشان عضو فیسبوک بودند یعنی سی و سه درصد از کل جمعیت (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۲). نکته قابل توجه این است که در طول اعتراضات دولت اجازه ی پوشش اخبار را رسانه‌های دولتی نمی داد. خبرنگاران و روزنامه و کانال‌های تلویزیونی اجازه ی انتشار وقایع بحرانی کشور را نداشتند و نتیجه ی این برای زین العابدین بن علی اسف بارتر شد. زیرا تنها روایتی که از وقایع منتشر می شد روایت معترضان بود. معترضان از طریق ایمیل، یوتیوب و فیسبوک و توئیتر فیلم‌ها و عکس‌های وقایع روزمره را به همه جای جهان مخابره می کردند. خود را برحق نشان می دادند و خبری موازی و مخالف آن‌ها نیز برای بقیه از طرف دولت منتشر نمی شد. همین امر باعث شد که صدای مخالفان راحت تر به گوش جهان برسد (غفاری، ۱۳۹۲: ۷۷-۶۱). شبکه الجزیره هم بسیار به انتشار این اخبار کمک می کرد و وقایع انقلاب را کاملاً پوشش می داد. این را هم باید اضافه کرد که مردم تونس از دو زبان فرانسه و عربی با هم استفاده می کنند. همین باعث می شد که بتوانند از پتانسیل‌های رسانه ای بیشتری بهره ببرند (نورمحمدی، ۱۳۹۱).

۲. شیوه‌های نفوذ مقاومت اینترنتی در مصر

نکته ی مهم که باید در بررسی مدل سیاسی مصر به آن توجه داشت تأثیر روابط خارجی دولت بر مسائل داخلی و جنبش‌های اجتماعی بود. روابط گرم دولت مصر با دولت‌های غربی دو پیامد متناقض برای حکومت مبارک داشت: از یک سو کمک‌های مالی سالانه و حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیکی که از سوی ایالات متحده و کشورهای غربی دریافت می کرد می توانست به تصویب موقعیت این کشور در سطح داخلی و منطقه ای کمک کند. از سوی دیگر به سازمان‌های حقوق بشری و بین المللی این امکان را می داد که وضعیت حقوق بشر را در مصر همواره تحت نظر داشته باشند و مورد انتقاد قرار دهند. بدین ترتیب بود که مخالفان حکومت فرصتی یافتند تا صدای خود را به خارج از مرزها برسانند. در این شرایط حکومت مبارک زیر فشار سازمان‌های بین المللی و کشورهای غربی مجبور به اعطای امتیاز به مخالفان می شد

(مسعودنیا، ۱۳۹۴: ۴۵-۲۱). یکی از مهمترین عناصری که در مطالعه جنبش اجتماعی مصر باید به آن توجه کرد قانون وضعیت اضطراری است. فشار و سرکوب فزاینده ی حکومت مبارک متکی بر قانون وضعیت اضطراری بود، که تجاوز به حقوق افراد و آزادی‌های آنان را در طول ۲۷ سال توجیه قانونی می‌کرد. تا پایان سال ۲۰۰۰ تنها ۷ درصد از مردم مصر (معادل چهارصد و پنجاه هزار نفر) به اینترنت دسترسی داشتند. این آمار تا سال ۲۰۰۹ با رشدی مداوم به ۲۰ درصد (بیش از ۱۶ میلیون نفر) و در سال ۲۰۱۱ به ۲۴ درصد (بیش از بیست میلیون نفر) از جمعیت مصر افزایش یافت. هم اکنون بیش از ۷ میلیون نفر مصری عضو شبکه اجتماعی فیس بوک هستند (عطارزاده و موثقی، ۱۳۹۱).

سال	تعداد کاربران	جمعیت کل کشور	میزان (درصد)
۲۰۰۰	۴۵۰۰۰۰	۶۶۳۰۳۰۰۰	۰/۷
۲۰۰۶	۵۱۰۰۰۰۰	۷۱۲۳۶۶۳۱	۰/۷
۲۰۰۸	۱۰۵۳۲۴۰۰۰	۸۱۷۱۳۵۱۷	۱۲/۹
۲۰۰۹	۱۶۶۳۶۰۰۰	۷۸۸۶۶۶۳۵	۲۱/۱
۲۰۱۱	۲۰۱۳۶۰۰۰	۸۲۰۷۹۶۳۶	۲۴/۵

از زمانی که اینترنت پا به جامعه مصر گذارد با سانسور گسترده حکومتی همراه بود. با این حال هنگامی که دولت در ۲۰۰۲ مدیریت ISPها را به بخش خصوصی و رقابتی واگذار کرد مصر به بزرگترین بازار اینترنت در آفریقا با حدود ۳۰۰ شرکت خدمات اینترنتی (که تا سال ۲۰۰۹ زیر مجموعه ۵ شرکت بزرگ بودند) تبدیل شد، و جمعیت بیشتری از مردم این فرصت را یافتند که به اینترنت دسترسی داشته باشند. تلاش‌های دولت در ارزیابی خدمات اینترنت پرسرعت که در سال ۲۰۰۳ آغاز شد از یک سو به کاربران بیشتری امکان استفاده از اینترنت را داد و از سوی دیگر کنترل حکومت بر فضای مجازی را تشدید کرد. به این ترتیب شرکت دولتی مخابرات که بزرگترین خدمات دهنده اینترنتی در مصر محسوب می‌شد این امکان را به حکومت می‌داد که اراده خود را بر بیشتر کاربران مصری تحمیل کند. در این وضعیت مبارک این قدرت را می‌یافت که با بستن سایت‌های منتقد، اعمال سانسور، فیلترینگ و کنترل اقتدار خود را به فضای مجازی نیز بسط دهد (غفاری، ۱۳۹۲: ۷۷-۶۱).

در واقع گسترش اینترنت با ابتکار حکومت از یک سو فرصتی برای مخالفان سیاسی حکومت فراهم آورد که منجر به تسهیل فرایند بسیج می شد و از سوی دیگر تهدیدی علیه چالش گران بود. چراکه به تمرکز بیشتر وسایل کنترل بر فضای مجازی در دست حکومت و سرکوب فعالان سایبری حتی در فضای واقعی می انجامید. در بررسی وضعیت سانسور فضای مجازی در مصر باید به چند نکته توجه داشت: نخست اینکه قانون وضعیت اضطراری اینترنت را تهدیدی برای امنیت ملی تفسیر می کرد. در سال ۲۰۰۲ وزارت کشور بخش ویژه ای با عنوان اداره کل اطلاعات و اسناد را در پلیس راه اندازی کرد که عهده دار کنترل و سانسور اینترنت بود. در نوامبر آن سال مبارک لایحه ای را از مجلس گذراند که براساس آن اختیارات گسترده ای برای کنترل و محدودیت بر ارتباطات در اختیار دولت می گذاشت. سیاست دیگری که توسط وزارت کشور به منظور کنترل وب سایتها پی گرفته شد ترغیب افراد به اتهام انتشار مطالب غیر اخلاقی در فضای اینترنتی بود. دولت با این دو اقدام در لوای پوششی قانونی قادر بود فعالان سیاسی را در اینترنت مورد تعقیب قرار دهد. این وضعیت فضای اینترنتی را به فضایی نا امن برای اظهار آزادانه عقاید بدل کرده بود.

باین حال بسیاری نیز بودند که در این فضا وضع موجود را به چالش طلبیده و در رابطه با فساد حکومت دست به افشاگری می زدند. تلاش بسیاری از این فعالان دنیای مجازی، برای اعتراض و به چالش گرفتن حکومت به تحمل فشار و رنج در دنیای واقعی منتج می شد از جمله «وایل غنیم» وبلاگ نویس مشهور مصری و مدیر بازاریابی شرکت گوگل در دبی که با اعلام فراخوان اعتراض جمعی علیه حکومت هزاران نفر را به خیابانهای قاهره و دیگر شهرهای مصر کشاند. فراخوان او که منجر به نخستین کنش جمعی از سلسله کنشهای اعتراضی تا سقوط مبارک در میدان تحریر بود سبب بازداشت او شد. وایل که تحسین بسیاری از رسانهها و سازمانهای بین المللی را واداشته بود، کار خود و دیگر وبلاگ نویسان مصری را تاسیس مکتب جدیدی در روزنامه نگاری توصیف می کند و آنان را آخرین صدای مستقل می نامد (صفحه فیسبوک وائل غنیم).

همچنین هنگامی که از جنبش انقلابی مصر یاد می شود نمی توان از نام «خالد سعید» جوان مصری که قربانی خشونت و فساد پلیس شد به آسانی عبور کرد. در ششم ژوئن ۲۰۱۰ دو مامور پلیس در کافی نتی در شهر اسکندریه خالد سعید را به زیر مشت و لگد کشاندند و او را همراه خود به مکانی نامعلوم بردند. خالد سعید همان شب در بازداشتگاه پلیس از شدت

جراحات و ضربه‌های وارده به سرو بدنش در گذشت. پلیس در مقطعی او را متهم به اعتیاد و در مقطعی دیگر متهم به حمل سلاح می‌کرد. در بیانیه وزارت کشور در مورد مرگ او، خالد سعید به عنوان فردی معتاد و دزد که تحت پیگرد بوده است معرفی می‌شد. اما واقعیت چیز دیگری بود. خالد سعید از طریق (گویا هک کردن موبایل پلیس) به فیلمی دست یافته بود که نشان می‌داد عده‌ای از ماموران پلیس اسکندریه در تجارت مواد مخدر دست دارند. او می‌خواست این ویدیو را در اینترنت قرار دهد تا توجه افکار عمومی را به فساد پلیس جلب کند. در پی قتل سعید عکس‌هایی از جنازه وی در اینترنت پخش شد و خبر این جنایت به همراه گزارش‌های ضد و نقیض در کشور گسترش یافت. وائل عباس غنیم در واکنش به این خبر صفحه‌ای در شبکه اجتماعی فیس بوک با عنوان همه ما خالد سعید هستیم (کلنا خالد سعد) راه انداخت که به زودی به منبعی برای اخبار سرکوب‌ها و مبارزات فعالان سیاسی و سایبری تبدیل شد... هنگامی که انقلاب در تونس به سر انجام رسید امید به میان مخالفان مصری بازگشت. بدین ترتیب در صفحه فیس بوکی که وائل عباس به یاد سعید راه انداخته بود قرار راهپیمایی و اعتراض به حکومت برای نخستین بار پخش شد و در جمعه خشم (بیست و پنجم ژانویه) مردم مصر به خیابان‌ها آمدند و تا استعفای مبارک به خانه بازنگشتند وائل عباس غنیم که چند روز پس از آغاز تظاهرات به مصر بازگشته بود توسط پلیس دستگیر شد و پس از پانزده روز زیر فشار سازمان‌های بین‌المللی و اعتراضات مردمی آزاد شد و مستقیم به میدان تحریر رفت. به ادعای شبکه الجزایر آزادی وائل غنیم موج تازه‌ای از تظاهرات را در مصر رقم که طی آن هزاران نفر به خیابان‌های قاهره و دیگر شهرها پیوستند.

گروه دیگری که در تحولات مصر که ریشه در فعالیت‌های مجازی مخالفان داشت تاثیر گذار بود «جنبش ششم آوریل» است. در آوریل سال ۲۰۰۸ جمعی از فعالان سیاسی به منظور حمایت از اعتصاب کارگران شهرک صنعتی (محل الکبری) صفحه‌ای در فیس بوک ایجاد کردند و با استفاده از دیگر رسانه‌های مجازی چون وبلاگ‌ها و وب سایت‌ها اخبار اعتصاب را منتشر و اعتراض‌های قانونی را سازماندهی می‌کردند. در ژانویه ۲۰۰۹ صفحه این گروه اینترنتی بیش از هفتاد هزار عضو داشت که بیشترین پایگاه اجتماعی آنان را جوانان و اقشار تحصیل کرده تشکیل داده و شعارهای سیاسی آنان حول محورهایی چون تاکید بر آزادی بیان و اعتراض به رکود اقتصادی، خویشاوند سالاری و فامیل بازی در حکومت بود. علاوه بر فعالیت‌های سیاسی این گروه در سال ۲۰۰۸ راهپیمایی و تظاهراتی به منظور حمایت از خبرنگاران زندانی و

همچنین اعتراض به حمله نظامی اسرائیل به غزه تدارک دید که به دنبال آن دولت مصر برخی از فعالان این گروه از جمله «احمد ماهر» یکی از بنیان گزاران آن را دستگیر کرد. در ششم آوریل ۲۰۰۹ یعنی یک سال بعد از شروع فعالیت های گروه حکومت طی اقدامی هماهنگ دست به سرکوب گروه زد بسیاری از پایگاه های اینترنتی حامیان «جنبش ششم آوریل» را هک و بسیاری از معترضان خیابان قاهره را دستگیر کرد. در چنین وضعیتی اگر چه بسیاری از فعالان مهم گروه دستگیر و مورد فشار قرار گرفتند اما نام و تجربه فعالیت های موفق گروه در بسیج افراد سبب شد هم زمان با تحولات سیاسی در اواخر سال ۲۰۱۰ این جنبش بار دیگر به صحنه تحولات اجتماعی و سیاسی مصر بازگردد (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹۳: ۳۴-۱۱).

۲-۱. کمپین ها و انجمن های اینترنتی

از دیگر تحولات اجتماعی که ریشه در دنیای مجازی دارد می توان به راه اندازی کمپین ها و فراخوان های مخالفان در اینترنت اشاره کرد. برای مثال «عبدالکریم نبیل سلیمان عامر» یکی از وبلاگ نویسان غیرمذهبی مصر به دلیل انتقاد به دانشگاه الازهر و حکومت و به جرم توهین به مبارک در سال ۲۰۰۷ به چهارسال زندان محکوم شد. در مقابل هواداران عبدالکریم کمپینی برای آزادی او در دنیا مجازی راه انداختند. اهمیت چنین واکنش هایی از سوی وبلاگ نویس ها به تهدیدهای حکومت زمانی پیش از پیش آشکار می شود که به راه اندازی صفحات فیس بوکی و انجمن های اینترنتی می انجامد. این انجمن ها امکاناتی را فراهم می کنند که وبلاگ نویسان در فضای مجازی گرد هم آیند و علایق عقاید و نظرات خود را به اشتراک گذارند. به این ترتیب در فضای مجازی سانسور و تحدید رسانه ها این انجمن ها به مثابه رسانه بدیل عمل می کنند. از منظری نیز این انجمن ها با نزدیک تر کردن شمار بیشتری از مخالفان و فعالان در فضای مجازی در واکنش به فضای بسته جامعه تهدیدهای حکومت را به فرصتی برای فعالان مخالف تبدیل می کنند. قطع نظر از فعالیت ها و تلاش های دو جریان و جنبش اجتماعی در مصر کفایه (یا جنبش مصری ها برای تغییر) و اخوان المسلمین، فضای مجازی را فرصتی بزرگ برای ترویج انتقادات و اعتراض های خود به حکومت مبارک دیدند. در ادامه به فعالیت های این دو جنبش پرداخته می شود:

۲-۱-۱. کفایه: جنبش مصری ها برای تغییر سریع. مساله جانشینی در مصر، ناظران داخلی و خارجی را نگران کرده بود. با نبود معاون ریاست جمهوری و سالخوردگی مبارک و بیماری وی، بسیاری از خود می پرسیدند خلا مبارک را چه کسی پر خواهد کرد. جنبش مردمی کفایه

در ۲۰۰۴ با طرح این پرسش به میدان آمد. در واقع جنبش مصری‌ها برای تغییر سریع یا عنوان مشهور اینترنتی آن -کفایه - چنانکه در نام آن نهفته است جنبشی بود که از سوی مخالفان حکومت با هدف پایان دادن به وضعیت اضطراری و اعتراض به برنامه مبارک برای جانشین ساختن فرزندش به حکومت و موروثی ساختن استبداد.

موفقیت سازمان دهی جنبش کفایه با بهره بردن از فناوری اطلاعات به ویژه در فضای مجازی تاثیر عمیقی در جنبش مصر و مناطق دیگر گذاشت. وب سایت کفایه در میان کاربران اینترنتی مصر محبوبیت بسیاری یافت، چرا که این فرصت را برای آن‌ها فراهم می‌کرد که بصورت ناشناس اعتراض‌ها و انتقادهای خود را به حکومت مبارک اظهار دارند. به مدد این تعامل نوین هر کاربر با بسیاری از همفکرانش پیوند یافته و حسی از همکاری مجازی و شبکه ای گسترش و پرورش داده می‌شد. درواکنش به سانسور رسانه‌های چاپی و تلویزیون و به دنبال تجربه موفق رسانه‌های ارتباطی جایگزین در بسیج توده ای، کفایه از ایمیل به اعضا، تبلیغات در وب سایت‌ها و نشر اخبار در وبلاگ‌ها برای فراخوان مردمی بهره می‌گرفت. توانایی کفایه در تصریح و باز تعریف منافع و علایق کاربران فضای مجازی در خدمت توده‌های معترض خیابان‌های مصر، ویژگی برجسته این سازمان بود که بر جنبش اجتماعی تاثیر بسزایی می‌گذاشت. سازمان توانست افراد را از پس انفعال و فعالیت گمنام در فضای اینترنت، به حضارانی فعال در خیابان بدل کند.

نخستین شگرد تبلیغات و توسعه فعالیت‌های کفایه بهره‌گیری از وبلاگ نویسان مستقل و فیس بوک بود. قرابت آرای بسیاری از وبلاگ نویسان به گرایش‌های ضد حکومتی کفایه به راحتی آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌ساخت. وبلاگ نویسان از یک سو آگاهی سیاسی شهروندان مصری را تقویت کرده و توجه آنان را به فراخوان‌های کفایه جلب می‌کردند و از سوی دیگر نگاه رسانه‌های بین‌المللی را به خود معطوف می‌ساختند. موفقیت رهبران کفایه در این امر نشان از مهارت آن‌ها در ترکیب سیاست دنیای واقعی با فناوری دنیای مجازی داشت.

حکومت مبارک در مقابل موفقیت سریع کفایه در چهارم می سال ۲۰۰۸ پایگاه اینترنتی این سازمان را که از طریق برای کاربرانی که از طریق شرکت دولتی t-data بزرگترین شرکت خدمات اینترنتی به این سایت دسترسی داشتند مسدود کرد. حکومت می‌دانست که این عمل راه حل دائمی برای مهار کفایه نخواهد بود. به این ترتیب هم زمان فشار بر جنبش را به دنیای واقعی گسترش داد. رهبران جنبش مورد تعقیب قرار گرفته، معترضان شکنجه و سرکوب و به

صورت غیرقانونی و بدون حکم بازداشت می شدند. حکومت روزنامه نگاران اینترنتی را به دلیل فعالیت‌هایشان هدف قرار می داد. حکومت مصر عمل سیاسی در حوزه مجازی را منفصل از حوزه عمومی واقعی نمی‌شناخت و هر اقدام یا عقیده ای که فرصت‌های محدود سیاسی را برای چالشگران قدرت افزایش می داد مورد سرکوب حکومتی قرار گرفت. این سرکوب‌ها و فشارها پیامدها و نتایجی را برای جنبش کفایه در بر داشت. آنان به این درک عینی رسیدند که حمایت از جنبش مردمی چه در فضای مجازی و چه فضای عمومی برای آنان چه هزینه‌ها و خطراتی دارد. اگر چه این مانع به خودی خود آن قدر بزرگ نبود که فعالان متعهد کفایه را از ادامه فعالیت ناامید کند، هزینه مبارزه برای دیگر اعضای جنبش را افزایش می داد. در این دوره بازداشت رهبران مهم کفایه تمرکز فعالیت‌های سازمان را ناگزیر منحرف می کرد. دستگاه امنیتی با شایعه سازی و روش‌های معمول در ایجاد توهم توطئه کفایه را متهم می کرد که آلت دست ایالات متحده است و از آن کشور کمک مالی دریافت می کند. اتهامات تا بدان جا پیش می رفت که شخص مبارک در مصاحبه‌ای با فیگارو کفایه را متهم به ارتباطات مشکوک با خارج ساخت. به رغم احتمال نابودی جنبش کفایه با اتکا بر محبوبیت و موفقیت خود فضای سیاسی مصر را تغییر داده بود. این جنبش با استفاده از اینترنت به عنوان ابزاری برای بسیج هواداران خود را به اعتراض در خیابان‌ها کشاند. با این وصف این پیش فرض که فضای مجازی چالش‌گران وضع موجود را منزوی و دلسرد از اعتراض مستقیم به حکومت می کند با تجربه جنبش کفایه صفحات فیس بوک و فعالیت‌های وائل عباس زعیم به چالش کشیده می شد. اینترنت نه تنها به انزوای مصری‌ها از جنبش اجتماعی و کنش سیاسی نمی انجامید بلکه افراد دلسرد و نا امید از آینده سیاسی را به فعالیت پر شور دعوت می کرد. بدین ترتیب می توان مشاهده کرد که اشکال روابط (دسته‌ای) و (شبکه) میان جمعیت نیز به کمک فضا و الگوی تعامل مجازی قوی تر شده است گزارش‌ها حاکی از آن بود که موفقیت کفایه در استفاده از اینترنت و وبلاگ‌ها در بازنمایی گسترده نقص حقوق بشر حکومت را مجبور به اعطای امتیازاتی به مخالفان ساخت، و برخی از سرکوب کنندگان معترضان را مانند آنچه مدتی بعد در مورد عاملان قتل سعید انجام داد مجازات کرد. این مسایل در مجموع به فرسایش تدریجی اقتدار حکومت یاری رساند. ارزیابی حاضر از جنبش کفایه این نگاه را که عرضه موثر اینترنت و فضای مجازی یکی از عوامل مهم و دخیل در موفقیت جنبش‌هاست تقویت می کند.

۲-۱-۲. اخوان المسلمین و جنبش سلفیه در فضای مجازی مصر: اخوان المسلمین یکی از قدیمی ترین سازمان‌های مبارز مصری است که طی دوران طولانی فعالیت‌هایش، دچار تحولات عمیقی شده است. در آغاز حسن البنا مدرس دینی و فعال اجتماعی و سیاسی مصری اخوان المسلمین را در ۱۹۲۸ میلادی بر اساس آموزه‌های بنیادگرایی اسلامی پایه گذاشت. به تدریج اخوان المسلمین از یک گروه کوچک تبدیل به یک سازمان سیاسی و اجتماعی بزرگ با فعالیت‌های گسترده شد. گستره این فعالیت‌ها سرانجام به ترور حسن البنا در ۱۹۴۹ میلادی منجر شد. در دوره بعد که «حسن هضیبی» مرشد عام اخوان بود، شاخه‌های مخفی سازمان محدود شد و رهبری سازمان سعی کرد از اقدامات خشنونت بار جلوگیری کند. نگاه محافظه کارانه رهبری اخوان موجب تعارض‌هایی در سازمان شد به ویژه تحت تاثیر افکار سیدقطب و کتاب معالم فی الطریق که از دل آن گروه‌هایی مانند جهاد، جماعت اسلامی، التکفیر و الهجره با تمایلات بنیادگرایانه تند سر برآوردند. سرانجام پس از فراز و فرودهای بسیار هنگامی که مامون الهضیبی در ۲۰۰۲ پس از درگذشت مصطفی مشهور به عنوان مرشد عام اخوان انتخاب شد رویکرد بنیادگرایانه سازمان به موضع محافظه کاری اجتماعی و سیاسی تعدیل شده بود با این حال طی دوره انقلاب مصر اخوان المسلمین یکی از گروه‌های فعال در مبارزه و جنبش اجتماعی بود.

پس از تحولات مصر و سقوط مبارک راه برای بازگشت گروه‌های اسلام گرا به عرصه سیاسی باز شد. آن گونه که گفته شد یکی از پیامدهای تحولات چند دهه اخیر این بود که اخوان المسلمین به نماینده دیدگاه‌های محافظه کار اسلامی در مصر تبدیل شده بود. در این شرایط بنیادگرایان خود را نیازمند تشکلی سیاسی می‌دیدند. عمده ترین گروه بنیادگرایان مصری جامعه الدعوه السلفیه است که در سال ۱۹۷۷ تشکیل شد. در این سال اخوان المسلمین توانسته بود بر دانشگاه اسکندریه تفوق یابند و در واکنش به این مساله دانشجویان سلفی، مدرسه سلفی را تشکیل دادند تا به مبارزه فکری و تقابل سازمان با اخوان بپردازند. «حزب النور» به عنوان تشکل سیاسی این گروه بنیادگرای اسلامی در ۱۲ می ۲۰۱۱ اعلام وجود کرد و بدین ترتیب می‌توان الدعوه و شاخه سیاسی آن یعنی النور را نماینده گروه‌هایی دانست که به لحاظ تاریخی حاصل تعارض‌ها و انشعاب‌های درونی اخوان و پیروان فکری سیدقطب هستند. این حزب طی انتخابات پارلمانی اخیر پس از اخوان المسلمین بیشترین کرسی‌ها را نصیب خود کرد. نکته درخورد توجه آنکه هر دو گروه‌ها استقبال قابل توجهی از فضای مجازی نشان دادند.

تجربه گروه‌های غیر مذهبی چون کفایه و جنبش ششم آوریل درس‌هایی به کنش‌گران و چالش‌گران جامعه سیاسی و حکومت می‌داد که این محافظه‌کاران و بنیادگرا به‌ویژه اخوان المسلمین مصر نیز این درس‌ها را آموختند (سردارنیا، ۱۳۹۰).

استفاده چشمگیر جوانان اخوان از وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیامدهای قابل بررسی‌ای داشت. آنان در راستای چالش با حکومت و حمایت از اعضای محبوس خود به وبلاگ‌ها و فضای مجازی روی آوردند. اینترنت علاوه بر این امکانات مبارزاتی که در اختیار اخوان قرار می‌داد، دیدگاه‌های اقشار مختلف به ویژه نسل‌های جدید و جوان هوادار را نیز منتشر کرده که تأثیر به‌سزایی در رویکردهای آتی رهبران سازمان داشت. افکار این جوانان که تحت تأثیر فناوری جدید و آموزه‌های نوین بشری با ارزش‌هایی نظیر برابری زنان و زندگی دموکراتیک آشنا شده بود، با دیدگاه‌های محافظه‌کارانه رهبران در چالش قرار می‌گرفت.

از سوی دیگر النور به عنوان مهم‌ترین تشکل سیاسی بنیادگرا از اینترنت غافل نماند. این حزب سلفی که پس از استعفای مبارک اقدام به کنش‌های جمعی و بسیج اجتماعی قابل توجهی برای کسب قدرت سیاسی کرد، علاوه بر فعالیت در فضای وبلاگی به منظور انتشار مرام و آرای خود دست به کار بهره‌برداری از فضای مجازی در مبارزات انتخاباتی پارلمان شد. هم‌اکنون صفحه فیس بود حزب النور نزدیک به ۱۵۵ هزار هوادار دارد (صفحه فیسبوک حزب النور).

پدیده وبلاگ‌های اخوان المسلمین در طول دهه خیر را می‌توان واکنشی به سرکوب حکومتی، به‌منظور بسیج تدارکی و تدافعی دانست. پس از بازداشت دانشجویان الازهر و اخوان المسلمین در سال ۲۰۰۷ وب سایت‌ها و وبلاگ‌هایی برای حمایت از دانشجویان و تبلیغ علیه حکومت ساخته شد. این مدل از وبلاگ نویسی که مبتنی بر نشر کلیپ‌های تصویری، عکس‌ها و مطالبی درباره آرای اخوان و نقض حقوق بشر توسط حکومت بود، مشابه نمونه‌های لیبرال‌تر خود نظیر وبلاک وائل غنیم بود (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۶-۱).

این مطلب گویای فرایندی از یادگیری روش‌های موثر و کارآمد اعتراض از طریق فضای مجازی نزد کنش‌گران و چالش‌گران مصری، فازغ‌ار هر ایدئولوژی و عنوان و نمودی از کارایی اینترنت به عنوان ابزاری مهم در مبارزه سیاسی و اجتماعی است. بازداشت ۴۵ روزه عبدالمنعم، نویسنده وبلاگ «من یک اخوان هستم» که یکی از مهم‌ترین وبلاگ‌ها و پایگاه‌های اینترنتی جنبش اخوان المسلمین به شمار می‌آید، در کنار پیگرد وبلاگ نویسان لیبرال، نشان‌دهنده این است که پیگرد و آزار فعالان اخوان المسلمین و وبلاگ نویسان لیبرال می‌تواند بخشی از

یک برنامه سرکوب حکومتی بوده باشد. به رغم سرکوب جنبش توسط حکومت، اخوان همچنان خواستار شناسایی گروه به عنوان یک حزب سیاسی بود. با این وصف صدای چالش گرانی که از فضای مجازی به گوش می‌رسید، چه لیبرال‌ها و چه محافظه کار و بنیاد گرا، تهدید جدی برای حکومت به شمار می‌آمد و از سوی دستگاه به شیوه‌ای مشابه مورد سرکوب قرار می‌گرفت (نورمحمدی، محمدی، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

می‌توان استدلال کرد مسیری که جنبش‌های اینترنتی و وبلاگ نویسی کفایه و اخوان المسلمین پیمودند، می‌تواند محدودیت‌های اینترنت را به مثابه ابزاری برای ایجاد فرصت‌های سیاسی و تسهیل بسیج منابع در مصر نشان دهد. حکومت مبارک حاضر به پذیرش محدوده آزاد فضای مجازی نبود. فیلتر و بستن سایت‌ها در کنار ارباب و بازداشت فعالان فضای مجازی، این واقعیت را نشان می‌داد که حکومت پدیده وبلاگ نویسی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی را تهدید علیه اقتدار و حاکمیت خود دریافته و به آن مجال فعالیت نمی‌دهد. حکومت همزمان با فشارهایی که بر فعالیت‌های مجازی این جنبش‌ها اعمال می‌کرد، به واسطه روشنگری‌ها و اطلاعاتی که وبلاگ‌ها در مقیاس بین‌المللی انتشار می‌دادند، برای اعطای امتیازاتی به جنبش‌ها تحت فشار نیز قرار می‌گرفت. این پیامدها نوری به کورسوی راه فعالان اینترنتی می‌تاباند که همچنان از وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی به مثابه ابزاری علیه استبداد حکومت استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

طی چند سال گذشته، فناوری اطلاعات و ارتباطات، از جمله اینترنت و ابزار آن، نقشی برجسته در فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی ایفا کرده‌است. همان‌طور که گفته شد هرچند نمی‌توان دلایل اصلی خشم و نارضایتی مردم تونس و مصر نسبت به ناکارآمدی دولت‌های شان را منکر شد و همچنین نمی‌توان زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در زمینه جنبش‌ها و انقلاب‌ها نادیده گرفت، اما آنچه ما در اینجا مورد توجه قرار گرفت میزان اثرپذیری نوع اعتراض‌ها و کنش‌ها سیاسی- اجتماعی از ابزارها و فناوری‌های نوین در انقلاب‌های مدرن است. می‌توان گفت با توجه به نقش سرعت دهنده و گستردگی آن‌ها در انتشار اخبار و اطلاعات، عامل انقلاب در عصر مدرن به‌شمار می‌آیند و خبر در سطحی وسیع در یک کشور و جهان گسترش می‌یابد. فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری مهم برای عمل جمعی

و تغييرهاى اجتماعى ديده مى شوند. فيس بوك و اينترنت، گزينه هاىيى براى عمل گروه هاى نو و نيروهاى سياسى در حال پيدايش جامعه مدنى هستند؛ همان طور كه در تونس و مصر هم اين اتفاق افتاد (ابراهيمى پور، ۱۳۹۳: ۲۶-۱).

درواقع زمينه هاى اجتماعى، سياسى و اقتصادى نارضايتى براى مردم فراهم شده بود. انقلاب تونس نيز اثر سرايتى داشت (طبق نظريه دومينو، تسلسل يا پخش) و نقش رسانه ها در اين پخش بسيار بااهميت بودند. رسانه هاى اينترنتى و شبكه هاى اجتماعى آن، از جمله فيس بوك، تويتر و يوتيوب سبب تحرك و گسترده گى بيشتر تظاهرات شدند كه در نهايت به سقوط رژيم هاى بن على و مبارك انجاميد. به طور كلى، شبكه هاى رسانه هاى اجتماعى مانند فيس بوك، تويتر، يوتيوب و وبلاگ ها به عنوان ابزاري براى تسهيل جنبش اجتماعى، سازماندهى و ايجاد آگاهى و بسيج سياسى مورد استفاده قرار گرفتند.

فهرست منابع

- ابراهيمى پور، حوا و همكاران (۱۳۹۳). «ماهيت شناسى تحولات سال ۲۰۱۱ شمال آفريقا: به مثابه جنبش جديد اجتماعى»، فصلنامه پژوهش هاى سياسى جهان اسلام، صص ۲۶-۱.
- سالتر، لى (۱۳۸۳). «دموکراسى، جنبش هاى نوين اجتماعى و اينترنت»، ترجمه پيروز ايزدى، فصلنامه رسانه، سال پانزدهم. شماره ۳ (پياپى ۵۹)، صص ۱۷۲-۱۳۳.
- سردارنيا، خليل اله (۱۳۸۸). «تأثير اينترنت بر درگيرشده گى مدنى شهروندان»، فصلنامه پژوهش هاى ارتباطى، سال شانزدهم، شماره ۱ (پياپى ۵۹)، صص ۲۱۱-۱۹۳.
- سردارنيا، خليل (۱۳۸۸). «اينترنت، جنبش هاى اجتماعى جديد و بسيج اعتراض ها»، فصلنامه پژوهش هاى ارتباطى، سال شانزدهم، شماره ۴ (پياپى ۶۰)، صص ۱۷۶-۱۵۱.
- سردارنيا، خليل اله (۱۳۹۰). «تحليل ساختارى و کنش گرا بر چرایی تثبيت اقتدارگرایی در مصر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱»، فصلنامه روابط خارجى، سال سوم، شماره ۲، تابستان.
- شهرام نيا، امير مسعود و ميلانى، جميل (۱۳۹۲). «بررسى جنبش هاى خاورميانه به مثابه جنبش هاى اجتماعى جديد (فرصت ها و تهديدها)»، فصلنامه پژوهش هاى سياسى جهان اسلام، صص ۹۸-۷۸.
- عباس زاده، مهدى (۱۳۹۳). «نقش اينترنت و شبكه هاى اجتماعى در انقلاب هاى خاورميانه و شمال آفريقا: نظريه وعمل»، فصلنامه مطالعات سياسى جهان اسلام، صص ۸۸-۶۹.

عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۸۹). تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱). **توسعه سیاسی واداری**، تهران: انتشارات، قومس.

عرب احمدی، امیربهرام (۱۳۹۲). «رویکردی تحلیلی بر پیدایی نهضت بیداری اسلامی در شمال آفریقا»، **فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، صص ۳۶-۱۹.

عظیمی دولت آبادی، امیر و همکاران (۱۳۹۳). «نقد رویکرد دموکراتیزاسیون و قرائت آن از تغییرات سیاسی جهان عرب»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، صص ۳۴-۱۱.

علاقه بند، علی (۱۳۷۹). **جامعه شناسی آموزش و پرورش**، تهران: نشر روان

غفاری، جلال و همکاران (۱۳۹۲). «نقش رس/نه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در بیداری اسلامی، مطالعه موردی انقلاب تونس»، **دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، صص ۷۷-۶۱.

قربانی، فاطمه (۱۳۹۱). **بهار عربی و تکنولوژی‌های ارتباطی جدید**، پایان نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

قلی‌پور، مجتبی (۱۳۹۰). **فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی نوین و تأثیر آن بر کنش‌های اجتماعی**، پایان نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

کی مور، ریچارد (۱۳۸۳). «دموکراسی و فضای سایبر»، ترجمه عبدالرضا زکوت روشندل، **فصلنامه رسانه**، سال پانزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۹)، صص ۱۱۱-۸۹.

کولایی، الهه و حضرت پور، سعیده (۱۳۹۳). «ریشه‌های داخلی و خارجی انقلاب ۲۰۱۱ تونس»، **فصلنامه سیاست جهانی**، صص ۷-۳۴

مسعودنیا، حسین و همکاران (۱۳۹۴). «نارضایتی اقتصادی و جنبش‌های معاصر عربی (مصر و تونس)»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، صص ۴۵-۲۱.

موتقی گیلانی، احمد و عطارزاده، بهزاد (۱۳۹۱). «نقش و تاثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر»، **پژوهش نامه علوم سیاسی**، سال هفتم، شماره ۳، تابستان، صص ۱۹۱-۱۴۷.

نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۱). «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب تونس»، **فصلنامه رسانه**، صص ۱۰۶-۹۳.

نورمحمدی، مرتضی و محمدی، رقیه (۱۳۹۲). «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب مصر»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا**، صص ۱۶۲-۱۳۹.